

فلسفه زیست‌شناسی

مقدمه‌ای بسیار کوتاه

سپهر عکاشه

ترجمه

کاوه فیض‌اللهی

فرهنگ‌نشر نو

با همکاری نشر آسیم

تهران - ۱۳۹۹

فهرست مطالب

۹	یادداشت نویسنده برای ترجمه فارسی
۱۱	یادداشت مترجم
۵۱	۱ چرا فلسفه زیست‌شناسی؟
۶۳	۲ تکامل و انتخاب طبیعی
۸۷	۳ کارکرد و سازش
۱۰۹	۴ سطح انتخاب
۱۳۳	۵ گونه و رده‌بندی
۱۵۹	۶ ژن
۱۸۱	۷ رفتار، ذهن و فرهنگ انسان
۲۰۱	جمع‌بندی
۲۰۳	برای مطالعه بیشتر
۲۱۳	نمایه

چرا فلسفه زیست‌شناسی؟

فلسفه از دیرباز با علوم طبیعی در هم تنیده است. بسیاری از بزرگ‌ترین فیلسوفان ۴۰۰ سال گذشته، از جمله ایمانوئل کانت و دیوید هیوم، تحت تأثیر علم زمان خویش بودند؛ و بعضی، از جمله رنه دکارت و گوتفرید لایب‌نیتس، خودشان کشف‌های علمی مهمی انجام دادند. این درهم‌تنیدگی غریب نیست. از دوران باستان، فلسفه پرسش‌هایی درباره ماهیت جهان، جایگاه انسان در آن، و شناخت ما از آن، مطرح کرده است؛ و اینها موضوعاتی هستند که علم درباره آنها حرف برای گفتن بسیار دارد. در واقع، با ظهور علم مدرن در قرن‌های هفدهم و هجدهم، مسائل بسیاری که از دیرباز در تخصص فیلسوفان بودند باید به دانشمندان واگذار می‌شدند. نمونه‌هایش عبارت‌اند از اینکه آیا تمام مواد، همان‌طور که دموکریتوس، فیلسوف عهد باستان، معتقد بود، از اتم ساخته شده‌اند یا نه، و اینکه آیا ذهن انسان، همان‌طور که دکارت می‌گفت، از جوهر غیرمادی ترکیب شده است یا نه. امروزه هیچ‌کس نمی‌تواند بدون توجه به آنچه دانشمندان می‌گویند، بحث معقولی درباره این مسائل انجام دهد.

اگرچه تولد علم به تصرف بخش‌هایی از قلمرو فلسفه انجامید، اما در عین حال نوع جدیدی از تحقیق فلسفی را نیز به وجود آورد که

پرسش‌هایی دربارهٔ روش‌های خود علم مطرح می‌کند. آیا اصلاً با آزمایش می‌توان درستی یک نظریهٔ علمی را ثابت کرد؟ آیا می‌توان کل دانش علمی را به چند اصل بنیادی فروکاست؟ اگر دو فرضیهٔ علمی هر دو با داده‌های موجود سازگار باشند، آیا می‌توان میان آنها انتخابی منطقی انجام داد؟ خود اینها پرسش‌هایی علمی نیستند، بلکه پرسش‌هایی فلسفی دربارهٔ علم هستند. این آنها را به ملک طلق فیلسوفان تبدیل نمی‌کند. در واقع دانشمندانی همچون نیوتن و آینشتاین دربارهٔ چنین پرسش‌هایی عمیقاً اندیشیده‌اند. اما در نخستین سال‌های قرن بیستم، بررسی روش علمی خودش به شکل یک رشتهٔ دانشگاهی به نام فلسفهٔ علم درآمد که امروزه به اوج شکوفایی رسیده است. امروزه کسانی که در این رشته فعالیت می‌کنند معمولاً هم در فلسفه و هم در علم آموزش دیده‌اند، و در مواردی بر هر دوی آنها مسلط هستند.

فلسفهٔ زیست‌شناسی زیررشته‌ای از فلسفهٔ علم است که در دههٔ ۱۹۷۰ پدید آمد و از آن زمان تاکنون با سرعت رشد کرده است. اکنون که به گذشته می‌نگریم می‌توان سه عامل را در پیدایش آن مؤثر دانست. نخست آنکه روشن شد فلسفهٔ علم در شکل سنتی آن بیش از حد فیزیک‌محور است و زیست‌شناسی از این تصویر بیرون گذاشته شده است. دوم آنکه مباحث مفهومی که درون زیست‌شناسی مطرح می‌شوند به تدریج توجه فیلسوفان را به خود جلب کردند و به تبادلات میان‌رشته‌ای پرباری انجامیدند. سوم آنکه طرفداران طبیعی‌سازی^۱ فلسفه، که برای کمک به حل مسائل فلسفی از علم تجربی استفاده می‌کند، نیز به عنوان منبع الهام هرچه بیشتر سراغ زیست‌شناسی رفتند. این سه عامل با سه نوع تحقیقی که در فلسفهٔ زیست‌شناسی معاصر انجام می‌شود مطابقت دارد، بنابراین می‌ارزد که با تفصیل بیشتری به آن بپردازیم.